

شکوفایی

در عصر امام صادق (ع)

تحقیقی در تاریخ حدیث شیعه

سیده زهرا علویان

کارشناسی ارشد قرآن و حدیث

آذر ماه 1394

## فهرست

۲	فهرست
۳	مقدمه
۵	زندگینامه امام جعفر صادق (ع)
۶	شخصیت علمی و معنوی
۶	در سخن دیگران
۶	علم نزد امامان تا قیامت
۷	مذهب جعفری
۷	مقام علمی امام باقر (ع) و تربیت شاگردان
۹	امامت
۹	شاگردان
۱۰	مردم نسبت به اهل بیت (ع) سه گروهند
۱۰	از نگاه دیگران
۱۱	زامداران معاصر
۱۱	کسی که مذهب شیعه را از نابودی نجات داد
۱۳	پیام پیامبر (ع) توسط جابر به امام باقر (ع)
۱۳	امام صادق علیه السلام و تقیه
۱۴	تابلوی از برخورد ناجوانمردانه منصور با امام صادق (ع)
۱۵	تقیه سیاسی
۱۶	تقیه فقهی
۱۸	جعفر صادق (ع) فرهنگ شیعی را به وجود آورد
۱۹	پایه گذار عرفان در اسلام
۱۹	دومین قدم امام برای جلوگیری از اضمحلال شیعه :
۲۰	شهادت حضرت صادق علیه السلام
۲۱	احادیث

## به نام حضرت دوست

### مقدمه

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام با عقل متین و تقوا و دور اندیشی کامل دست از خلافت ظاهریه برداشت و مدت سی سال با درگیری و خون جگری، روح نبوت و اساس ولایت و اصل حقیقت را که از میان برداشته شده بود، در تشیع که روح نبوت و اساس قرآن است با مکتب خود، روح رسول الله را جان تازه بخشید، او با دروس و تعلیمات خود مبارزات مولای متقیان را حیات داد. او با دأب و دژدن خود قطرات خون اجدادش و جدش سید الشهداء را طراوت بخشید. بدین جهت است که نام تمام مذهب شیعیان من البدو الی الختم جعفری نهاده شده است.

دوران سی و چهار ساله امامت امام صادق (ع)، عصر شکوفایی معارف اهل بیت (ع) بود. آن حضرت در این دوران از درگیری بنی امیه و بنی عباس و اشتغال آن ها به خودشان استفاده کرده و با توجه به نیاز شدید جامعه آن زمان و آماده بودن زمینه اجتماعی، با ایجاد یک حوزه وسیع علمی و دینی، به تربیت شاگردان بسیاری در زمینه های مختلف علمی و مذهبی پرداختند. عده شاگردان معروف ایشان را تا چهار هزار نفر و مجموع آنها را تا 12 هزار نفر هم نوشته اند. به این ترتیب آن حضرت ضمن مبارزه با شبهات مسموم بدعت گزاران، اسلام نام محمدی را از زیر حجاب تیره و تاریک اسلام بنی امیه و بنی عباس بیرون آوردند.

پس از رحلت امام چهارم مدت 19 سال نیز در خدمت پدر بزرگوارش امام محمد باقر (ع) زندگی کرد و با این ترتیب 31 سال از دوران عمر خود را در خدمت جد و پدر بزرگوار خود که هر یک از آنان در زمان خویش حجت خدا بودند، و از مبدأ فیض کسب نور می نمودند گذرانید.

بنابراین صرف نظر از جنبه الهی و افاضات رحمانی که هر امامی آن را دارا می باشد، بهره مندی از محضر پدر و جد بزرگوارش موجب شد که آن حضرت با استعداد ذاتی و شم علمی و ذکاوت بسیار، به حد کمال علم و ادب رسید و در عصر خود بزرگترین قهرمان علم و دانش گردید.

پس از درگذشت پدر بزرگوارش، در دوره امامت اش "مکتب جعفری" را پایه ریزی فرمود و موجب بازسازی و زنده نگه داشتن شریعت محمدی (ص) گردید.

زندگی پر بار امام جعفر صادق (ع) مصادف بود با خلافت پنج نفر از بنی امیه (هشام بن عبدالملک - ولید بن یزید - یزید بن ولید - ابراهیم بن ولید - مروان حمار) که هر یک به نحوی موجب تألم و تأثر و کدورت روح بلند امام معصوم (ع) را فراهم می کرده اند، و دو نفر از خلفای عباسی (سفاح و منصور) نیز در زمان امام (ع) مسند خلافت را تصاحب

.....  
کردند و نشان دادند که در بیداد و ستم بر امویان پیشی گرفته‌اند، چنانکه امام صادق (ع) در 10 سال آخر عمر شریفش در نامنی و ناراحتی بیشتری بسر می‌برد.

امام صادق (ع) فرمود:

«هر کس از شیعیان و محبین ما کتاب سلیم بن قیس هلالی نزد او نباشد چیزی از امر ولایت ما نزد او نیست و از مسائل مربوط به ما چیزی نمی‌داند. آن کتاب الفبای شیعه و سری از اسرار آل محمد (ص) است».<sup>1</sup>

اسرار آل محمد نام کتابی است که نویسنده آن سلیم بن قیس هلالی که به طور خلاصه به شرح ذیل می‌باشد:

#### معرفی کتاب سلیم

1- اسناد کتاب سلیم: چهار سند تا شیخ طوسی، و چهار سند از شیخ طوسی تا سلیم بن قیس.

2- تاریخچه کتاب سلیم: ارتباط بی‌ابی عیاش و ابن اذینه در مورد کتاب سلیم، ارتباط سلیم و ابان، قرائت و تحویل کتاب بین سلیم و ابان، تأیید کتاب از سوی حسن بصری، تأیید کتاب از جانب امام زین العابدین (ع) و دو نفر از صحابه، دفاع امام زین العابدین (ع) از کتاب سلیم، ملاقات ابان با ابوالقیل در باره رجعت و حوض کوثر و دابه الارض و اصحاب امیرالمومنین (ع) و ولایت اهل بیت (ع)، قرائت و تحویل کتاب بین ابان و ابن اذینه.<sup>2</sup>

---

<sup>1</sup> - اسرار آل محمد (ص)

<sup>2</sup> اسرار آل محمد (ص) ص ۱۹۱

## زندگینامه امام جعفر صادق (ع)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام رئیس مذهب جعفری (شیعه) در روز 17 ربیع الاول سال 83 هجری چشم به جهان گشود.

پدرش امام محمد باقر (ع) و مادرش "ام فروه" دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر می‌باشد. کنیه آن حضرت: "ابو عبدالله" و لقبش "صادق" است. حضرت صادق تا سن 12 سالگی معاصر جد گرامیش حضرت سجاد بود و مسلماً تربیت اولیه او تحت نظر آن بزرگوار صورت گرفته و امام (ع) از خرمن دانش جدش خوشه چینی کرده است.

## عصر شکوفایی معارف اهل بیت

عصر امام صادق علیه السلام در قرن دوم ه.، عصر شکوفایی دانش، فقه، کلام، مناظره، حدیث و روایت و در آن سوی، عصر بدعت‌ها، گمراهی‌ها و گسترش مذهب‌های مختلف بود؛ بنابراین آن حضرت با توجه به نیاز جامعه آن روز و در پرتو شرایط آماده و آرامش به وجود آمده برای بنی هاشم به واسطه درگیری حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس با تأسیس مجالس درس و مراکز علمی به تربیت شاگردان بسیار پرداخت. آن حضرت با شرکت در مناظرات و مباحثات علمی و مذهبی علاوه بر آشکار ساختن چهره راستین اسلام و فقه آل محمد، شبهات دروغ‌سازان و نیرنگ‌بازان اموی و عباسی را نیز پاسخ می‌گفت و توطئه‌های آنان را باطل می‌کرد.

علت اصلی ظلمت علمی اروپا، در قرون وسطی، و توسعه علم در کشورهای اسلامی در همان دوره، این بود که در اروپا، اهل علم برای ابراز نظریه‌های علمی آزادی نداشتند، در صورتی که در کشورهای اسلامی، اهل علم می‌توانستند به آزادی نظریه‌های علمی را ابراز کنند و نور علم با این که از مشرق به اروپا می‌تابید تا مدتی نتوانست بر ظلم آنجا غلبه نماید و طوری فضای علمی اروپا تاریک بود که روشنائی شرق فقط قسمتی از آن را که پزشکی باشد، روشن می‌نمود و در اروپا هیچ استاد پزشکی وجود نداشت که ارجوزه<sup>3</sup> ابن سینا را در متن لاتینی، از حفظ نداشته باشد اما اجازه داده نمی‌شد که ادب و هیئت از مشرق زمین وارد اروپا شود.

<sup>3</sup> ارجوزه ابن سینا چاپ دانشگاه (الجزیره) پایتخت کشور الجزایر یک‌هزار و بیست و شش بیت عربی با ترجمه لاتینی آن است و ابن سینا در آن یک‌هزار و بیست و شش بیت مجموعه طب را باختصار گفته است.

.....

در سال 91 هجری قمری دو واقعه جدید برای جعفر صادق (ع) اتفاق افتاد. واقعه اول این بود که برای پدرش یک کره آسمانی آوردند و اولین بار جعفر صادق (ع) یک کره آسمانی را دید. واقعه دوم این بود که ولید عبدالملک خلیفه اموی از دمشق پایتخت خود براه افتاد و بعد از دیدن چند شهر بمدینه رسید و امام جعفر صادق (ع) را ملاقات کرد در حالی که او هنوز طفل بود و در محضر پدر (امام محمد باقر (ع)) تحصیل می کرد.

در محضر درس محمد باقر (ع) فیزیک ارسطو تدریس می شد.<sup>4</sup>

## شخصیت علمی و معنوی

امام صادق علیه السلام از نظر علمی و معنوی دارای مقامی والا و ارزشمند بودند به گونه ای که می توان گفت همه علوم اهل بیت علیهم السلام در وجود ایشان جمع بود. ابن حجر (دانشمند اهل سنت) در کتاب صواعق در این باره می گوید: «او، آن قدر مباحث فقهی را در جهان عرضه کرده که قبل و بعد او سابقه ندارد».

## در سخن دیگران

امام جعفر صادق علیه السلام از نظر علم و فضل سرآمد روزگار خود به شمار می آمد، چنان چه مالک بن انس از شاگردان ایشان و پیشوای مذهب مالکی، درباره آن حضرت گفته است: «در فضیلت و دانش و عبادت و پارسایی، هیچ دیده ای چون جعفر بن محمد را ندیده و هیچ گوشی توصیف او را نشنیده و بر هیچ قلبی خطور نکرده است، او بسیار سخی، خوش برخورد و پر فایده بود». همچنین هنگامی که از ابوحنیفه درباره فقیه ترین کسی که دیده، پرسش شد گفت: «فقیه ترین کسی که دیده ام جعفر بن محمد بوده است.»

## علم نزد امامان تا قیامت

فرمود: «تاویل قرآن را جز خداوند و فرو رفتگان در علم کسی نمی داند. آنان یک نفر نیستند. پیامبر (ص) از آنان است. خداوند به او آموخته و آنحضرت هم به من آموخته است، و سپس در نسل ما تا روز قیامت خواهد بود.»<sup>5</sup>

<sup>4</sup> - مغز متفکر جهان شیعه  
<sup>5</sup> اسرار آل محمد (ص) ص ۶۶۰

## مذهب جعفری

اگر بپرسند که چرا مکتب تشیع، به اسم امام صادق علیه السلام نامیده شده و به مذهب جعفری مشهور است؟ در پاسخ می توان گفت: دوران امامت امام صادق علیه السلام نسبت به ائمه دیگر بیشتر و حدود 34 سال بود و این مدت، زمان بسیار خوبی بود تا ایشان در ادامه فعالیت های پدر بزرگوارشان و در پرتو فرصت به وجود آمده، با توجه به نیاز جامعه آن روز و افزایش سطح علمی مسلمانان، نسبت به عصر امامان قبلی، بتوانند علم خود را ظاهر ساخته و با آشکار ساختن حقیقت، ریشه گرایش ها و مذاهب باطل را بخشکانند.

امام صادق علیه السلام به منظور گسترش اسلام و تبلیغ جریان اصیل امامت و افزایش آگاهی و معلومات علمی مسلمانان، کلاس های درسی بسیاری برگزار می کردند. در این کلاس ها از همه دسته ها، گروه ها و از سنین مختلف و رتبه های متفاوت علمی حضور می یافتند. و همگان حق اظهارنظر و انتقاد داشتند؛ اگرچه عظمت، جلال و هیبت امام به گونه ای بود که همه با احترام، با آن حضرت برخورد می کردند. امام صادق علیه السلام منبع فیض بودند و مردم از گوشه و کنار کشورهای اسلامی به خدمت آن حضرت می آمدند تا از مجلس درس ایشان فیض گیرند.

البته به وضوح روشن است که پدر بزرگوار ایشان امام محمد باقر(ع) نیز در زمینه علوم و معارف اسلامی نهضتی بزرگ طراحی کرد:

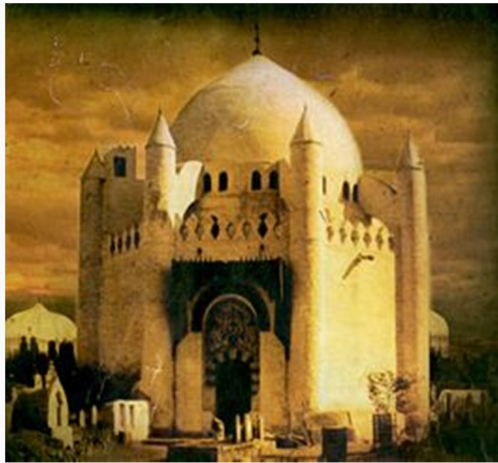
## مقام علمی امام باقر(ع) و تربیت شاگردان

امام باقر(ع) در دوران امامت خویش، با وجود شرایط نامساعدی که بر عرصه فرهنگ اسلامی سایه افکنده بود، با تلاشی جدی و گسترده نهضتی بزرگ را در زمینه علوم و معارف اسلامی طراحی کرد. تا جایی که این در دوران امام صادق(ع)، به اوج خود رسید.

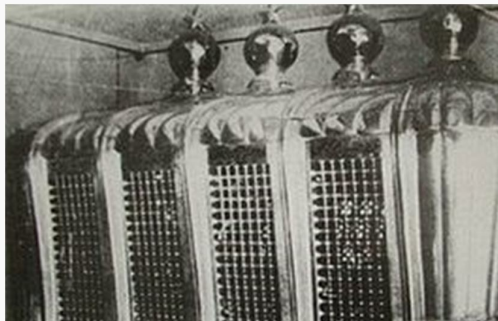
امام باقر(ع) برقراری حوزه درس، با کج اندیشی ها مبارزه کرد و در صدد زدودن چالش های علمی، تحکیم مبانی معارف و اصول ناب اسلامی با تکیه بر آیات رهنمون گر قرآن برآمد و ابواب فقهی و اعتقادی را از دیدگاه قرآن بررسی کرد و به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر خود و جنبش بزرگ علمی پرداخت، به گونه ای که دانشمندی چون «جابر بن یزید جعفی» هر گاه می خواست سخنی در باب علم به میان آورد - با آن توشه ای که از دانش داشت - می گفت: «جانشین خدا و میراث دار دانش پیامبران محمد بن علی(ع) برایم

این گونه گفت: «و به دلیل ناچیز دیدن موقعیت علمی خود در برابر جایگاه امام(ع)، از خود نظری به میان نمی آورد.

ابواسحاق سبئی از دیگر فرهیختگان این دوره، آن قدر نظرات علمی امام را درست می پندارد که وقتی از او در مورد مسئله ای می پرسند، پاسخ را از زبان امام می گوید و می افزاید: «او دانشمندی است که هرگز کسی بسان او [در علم] ندیده ام».



آرامگاه چهار امام شیعه پیش از تخریب در سال 1306 خورشیدی



حسن مجتبی علی بن حسین محمد باقر جعفر صادق (ع)

ابن عقده زیدی در کتاب رجال خود چهار هزار راوی برای جعفر صادق (ع) برشمرده و کتاب های آنان را یاد کرده است. بسیاری از فقها از پرورش یافتگان مکتب جعفر صادق بوده اند. از این عده می توان به کسانی هم چون زراره بن اعین و دو برادرش بکر و حران، جمیل بن صالح و جمیل بن دراج و محمد بن مسلم طائفی و برید بن معاویه و هشام بن حکم و هشام بن سالم و ابوبصیر و عبیدالله و محمد و عمران حلبی و عبدالله بن سنان و ابوالصباح کنانی و بسیاری دیگر اشاره کرد. به غیر از این چهار هزار تن راوی که ذکر آنان گذشت، شمار بسیاری دیگر از دانشمندان برجسته و پیشوایان مذاهب اهل سنت و بزرگان علم از جعفر صادق (ع) حدیث نقل



کرده‌اند. از این میان می‌توان به افرادی مانند یحیی بن سعید انصاری و ابن جریح و مالک بن انس و سفیان ثوری و ابن عیینه و ابوحنیفه و شعبه و ایوب سختیانی و جابر بن حیان کوفی و ابان بن تغلب و ابو عمرو بن علاء و عمرو بن دینار و بسیاری دیگر اشاره نمود. از جمله جابر ابن حیان - کیمیاگر معروف که در غرب به نام Geber خوانده می‌شود - بسیاری از اختراعات خود را منتسب به جعفر صادق (ع) یا با تغییرات جزئی از آموزه‌های او می‌دانند. به نظر چنین می‌آید که جعفر معلمی بود که نگارش را به دیگران (مثلاً شاگردانش) می‌سپرد .

جعفر صادق بعد از مجلس درس روزانه خود به مناظره با افراد مختلف از جمله خدا ناباوران می‌پرداخت. مفضل بن عمر جعفی در کتابی که به توحید مفضل مشهور شده است، مباحثی را به نقل از ایشان نوشته است که از دیگاه کالبد شناسی و تن کارشناسی (آناتومی و فیزیولوژی)، فلسفی و جهان شناسی به تحکیم پایه های خدا باوری طرف مباحثه می پردازد.

## امامت

به عقیده شیعه دوران امامت او 34 سال بوده که با اواخر حکومت امویان و اوایل حکومت عباسیان مصادف بوده‌است. او با پنج تن از خلفای بنی امیه، هشام بن عبدالملک، ولید بن یزید بن عبدالملک، یزید بن ولید بن عبدالملک، ابراهیم بن ولید و مروان بن محمد ملقب به حمار و دو تن از خلفای بنی عباس ابوالعباس (عبدالله بن محمد) معروف به سفاح و ابوجعفر معروف به منصور دوانیقی معاصر بود.

## شاگردان

امام جعفر صادق (ع) بیش از 4000 هزار شاگرد داشته‌است که برخی از بزرگان‌شان بدین قرارند: 1) ابان بن تغلب؛ 2) اسحاق بن عمار صیرفی کوفی؛ 3) برید بن معاویه بن العجلی؛ 4) ابوحمزه ثمالی؛ 5) حریر بن عبدالله سجستانی؛ 6) زراره بن اعی شیبانی؛ 7) صفوان بن مهران جمال اسدی؛ 8) عمران بن عبدالله سعد اشعری قمی؛ 9) عیسی بن عبدالله سعد اشعری قمی؛ 10) فیض بن مختار الکوفی؛ 11) محمد بن علی بن نعمان کوفی معروف به مؤمن الطاق 12) محمد بن مسلم بن ریاح؛ 13) معاذ بن کثیر؛ 14) هشام بن محمد بن السائب؛ 15) مفضل بن عمر 16) جابر بن حیان 17) مالک بن انس

.....

ابان ابن تغلب (م 141) صحابی امام علی بن حسین سجاد(ع) پس از ابن یعمر، نخستین کسی است که در باره «قراءات» تصنیف کرد. کتاب «معانی القرآن» نیز از اوست.

حمزه بن حبیب، یکی از قرآء هفت گانه، (م 156) صحابی امام جعفر بن محمد صادق(ع) کتابی در «قراءت» دارد.

موسی بن هارون از شاگردان ابان بن تغلب (م 170)، کتاب «لوجوه و النظائر» را نگاشت.<sup>6</sup>

همچنین در سده سوم از اصحاب ائمه: حسن بن علی بن فضال (م 224) از اصحاب امام رضا(ع) کتاب «الناسخ و المنسوخ» را نگاشت

و ابو عبدالله احمد بن محمد بن سیار (م 268) کاتب آل طاهر و صحابی امام هادی(ع) و امام عسکری(ع)، کتاب «ثواب القرآن» و نیز «القراءات» را دارد که «التنزیل و التحریف» نامیده شده است.<sup>7</sup>

## مردم نسبت به اهل بیت (ع) سه گروهند

مردم سه گروهند: گروهی به نور ما روشن هستند، و گروهی بوسیله ما ارتزاق می کنند، و گروهی بوسیله ما هدایت می شوند و به دستور ما اقتدا می کنند و اینان کمترین گروهند. اینان شیعیان نجیب و حکیم و عالم و فقیه و با تقوی و با سخاوت هستند. خوشابه حال آنان و عاقبت بخیری نصیبشان باد.<sup>8</sup>

## از نگاه دیگران

مالک بن انس، پیشوای یکی از مذاهب چهارگانه فقهی اهل سنت، مدتی شاگرد جعفر صادق(ص) بود و در باره عظمت و شخصیت علمی و اخلاقی صادق چنین می گوید: من فقیه تر و داناتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام. او داناترین فرد این امت است. به خدا سوگند! چشمان من ندید فردی را که از جهت زهد، علم، فضیلت، عبادت و ورع برتر از جعفر بن محمد باشد.

ابوحنیفه، پیشوای یکی دیگر از مذاهب چهارگانه فقهی اهل سنت، نیز شاگرد جعفر صادق بود. برخی منابع، مدت شاگردی او را دو سال دانسته‌اند. به عنوان نمونه، آلوسی درباره دو سال شاگردی او پیش امام صادق(ع)،

<sup>6</sup> التمهید فی علوم القرآن ص ۱۶

<sup>7</sup> التمهید فی علوم القرآن ص ۱۷

<sup>8</sup> اسرار آل محمد ص ۷۹

.....  
 از ابوحنیفه نقل می کند که: «گر آن دو سال نبود، نعمان (ابوحنیفه) هلاک می شد.» وی درباره عظمت علمی صادق (ع) گفته است: اگر جعفر بن محمد نبود، مردم احکام و مناسک حجشان را نمی دانستند.

عطار نیشابوری فصل اول کتاب تذکره الاولیا، اثرش در شرح احوال بزرگان اولیا و مشایخ صوفیه، را به شرح حال صادق (ع) اختصاص داده است. عطار در این کتاب می آورد.

اگر تنها صفت او گویم، به زبان و عبارت من راست نیاید که در جمله علوم و اشارات و عبارات بی تکلف به کمال بود، و قدوه جمله مشایخ بود، و اعتماد همه بر وی بود و مقتدای مطلق بود. هم الهیان را شیخ بود و هم محمدیان را امام، و هم اهل ذوق را پیشرو، و هم اهل عشق را پیشوا. هم عباد را مقدم، هم زهاد را مکرم. هم صاحب تصنیف حقایق، هم در لطایف تفسیر و اسرار بی نظیر بود.  
 در ادامه عطار داستانهایی چند از کرامات او نقل می کند.

## زامداران معاصر

### خلفای اموی معاصر

- هشام بن عبدالملک (125- 114)
  - ولید بن یزید بن عبدالملک (126- 125)
  - یزید بن ولید بن عبدالملک (126)
  - ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (2 ماه و 10 روز از سال 126)
  - مروان بن محمد معروف به مروان حمار (132- 126)
- خلفای عباسی معاصر
- ابوالعباس عبدالله بن محمد (137- 132)
  - ابوجعفر منصور دوانیقی (148- 137)

## کسی که مذهب شیعه را از نابودی نجات داد

یکی از علل عدم توجه مردم نسبت به تحصیل علوم، خشکی نحوه تدریس بود و خواهیم دید که رغبت به فرا گرفتن علوم از طرف مسلمین از موقعی به وجود آمد که جعفر صادق (ع) روش تدریس را عوض کرد.

.....

محضر درس محمد باقر(ع) در مسجد مدینه بود و در زمان خلفای اسلامی وسعت به هم رسانید. آنچه در محضر محمد باقر(ع) تدریس می شد عبارت بود از قدری تاریخ، علم نحو و قدری از رجال یعنی بیوگرافی بزرگان گذشته و بخصوص ادب یعنی شعر، بدون این که به نثر توجه شود. طلابی که در محضر امام محمد باقر(ع) تحصیل می کردند کتاب نداشتند و محمد باقر(ع) هم بدون این که به کتاب مراجعه نماید تدریس می کرد. طلاب آن مدرسه اگر دارای حافظه ای نیرومند بود آنچه محمد باقر(ع) می گفت به خاطر می سپردند و اگر حافظه قوی نداشتند گفته مدرس را به اختصار روی لوح خود یادداشت می نمودند تا این که بعد از رفتن به خانه، آن را با دقت و صرفه جویی منتقل به کاغذ کنند زیرا کاغذ هنوز یک کالای گرانبهات بود.<sup>9</sup>

جعفر صادق (ع) که دارای حافظه ای نیرومند بود با سهولت آنچه را که پدر می گفت به خاطر می سپرد. می توانیم حدس بزنیم که جعفر صادق(ع) آن علوم غربی را در محضر پدر فرا گرفت و بعد از این که در علم، پیش رفت، خود هم چیزهایی بر آن افزود و هر گاه جعفر صادق (ع) در محضر پدر از آن علوم برخوردار نمی شد توانست آن دانستی ها را که هنوز از زبان سوریانی به عربی ترجمه نشده بود، تدریس نماید.

شیعیان برای توضیح این موضوع می گویند که علم امام جعفر صادق(ع) لدنی بود. ولی می توانیم حدس بزنیم همان طور که جغرافیا و هیئت، بوسیله قبطی ها به اعراب رسید و در محضر محمد باقر(ع) تدریس شد، فلسفه و فیزیک غربی نیز از همان راه به محضر درس محمد باقر(ع) رسید و بعد، آن مرد بزرگ، با مطالعات خود، در آن رشته ها پیشرفت حاصل کرد.<sup>10</sup>

در سال 86 هجری قمری که جعفر صادق (ع) کودکی سه ساله بود، عبدالملک بن مروان، خلیفه اموی زندگی را بدرود گفت پسرش عبدالملک خلیفه شد.

اولین حکم که از طرف خلیفه جدید صادر شد، مبنی بر عزل هشام بن اسماعیل حاکم مدینه بود و به جای او عمر بن عبدالعزیز که در آن تاریخ مرد بیست و چهارساله بود حاکم مدینه شد. هشام بن اسماعیل حاکم سابق در مدینه، مانند خلیفه اموی در دمشق زندگی می کرد ولی عمر بن عبدالعزیز بعد از این که وارد مدینه شد بدون تشریفات به مسجد مدینه که محضر درس محمد باقر(ع) بود رفت تا او را ببیند و گفت می دانستم که مشغول

<sup>9</sup> مغز متفکر جهان شیعه ص ۱۹ و ۲۰

<sup>10</sup> مغز متفکر جهان شیعه ص ۲۱ و ۲۲

.....  
تدریس هستی به خانه رفتی، در آنجا به حضورت برسم و از امروز تا موقعی که من در شهر هستم آماده برای خدمت کردن به تو می باشم.

زین العابدین (ع) و محمد باقر (ع) از آن جهت می توانستند تدریس کنند که در مدینه سکونت داشتند و در شهر دیگر قادر به تدریس نبودند. (نمی گذاشتند) ۱۱

### پیام پیامبر (ع) توسط جابر به امام باقر (ع)

ابوبکر شیبانی می گوید: در محضر امام سجاد (ع) با جمعی نشسته بودیم، فرزندان آن حضرت نیز حاضر بودند، ناگاه جابر بن عبدالله انصاری (یار راستین پیامبر اکرم (ص)) وارد مجلس شد و سلام کرد، سپس متوجه حضرت باقر (ع) [که در آن هنگام کودک بود] شد، و به او عرض کرد: «همانا پیامبر (ص) به من خبر داد، که من مردی از اهل بیت او را که نامش محمد پسر علی بن الحسین (ع) و گنیه اش «ابوجعفر» است، درک می کنم، آنگاه به من فرمود «سلام مرا به او برسان»<sup>12</sup>

### امام صادق علیه السلام و تقیه

همان طور که بیان شد، اکثر روایات فقهی شیعه از زبان امام صادق علیه السلام صادر شده است. هم چنان که بیشترین موارد تقیه، به ویژه تقیه فقهی و نیز حمل بر تقیه را در روایات آن حضرت مشاهده می کنیم. همچنین دوره امامت آن حضرت یکی از طولانی ترین دوران های امامت ائمه علیهم السلام به شمار می رود. امام صادق علیه السلام اگرچه در مقطعی از دوره امامت خود - به خصوص پس از حکومت هشام تا دهه اول حکومت منصور - یعنی از سال 125 تا 145 ق. توانست آزادانه به نشر حقایق و معارف بپردازد، اما عواملی باعث صدور روایات تقیه ای از آن حضرت شد؛ همچون:

1. تقیه از حکومت در دوران هشام و منصور.
2. پراکندگی اصحاب آن حضرت از جهت مذهب که در مواردی ایشان، طبق مذهب فقهی پرشگران جواب می داد.
3. حفظ جان اصحاب خود.

<sup>۱۱</sup> مغز متفکر جهان شیعه ص ۲۳

<sup>۱۲</sup> داستان های اصول کافی ص ۲۵۶

4. شکاک بودن بعضی از اصحاب. بنابر اظهارات فوق، احتمال تقیه در روایات آن حضرت حتی اگر ناقل آن، اصحاب خاصی همانند زراره باشد، فراوان است. همچنین اگر بخواهیم با ترسیم یک منحنی روایات تقیه را بررسی کنیم، باز به این نتیجه می‌رسیم که دوره امامت امام صادق علیه السلام بلندترین نقطه این منحنی را به خود اختصاص می‌دهد. برای روشن تر شدن این مطلب، ذکر یک نکته کافی است که 53 روایت از 106 روایات مربوط به تقیه (با حذف مکررات) که در کتاب بحارالانوار جمع آوری شده، از امام صادق علیه السلام نقل شده است. یعنی حدود 50 درصد روایات تقیه را شامل می‌شود و این رقم غیر از احادیث مربوط به تقیه است که امام صادق علیه السلام از قول امامان پیش از خود نقل می‌کند.

علت فراوانی این روایات را تنها در بُعد سیاسی، می‌توان معلول فشارهای سهمگین حکومت‌های مرکزی در دوران اول و سوم و تا حدودی دوره دوم امامت آن حضرت دانست.

رشد روایات در بخش‌های دیگر را نیز می‌توان در عللی همچون: 1. طولانی بودن دوران امامت ایشان، 2. توفیق فراوان آن حضرت در نشر معارف و احکام اسلام، 3. از سوی دیگر، اختلاف مذهب داشتن چهار هزار شاگرد و راوی از آن حضرت، 4. شدت اختلاط اقلیت شیعیان با اکثریت سنی - که افراد متعصب فراوانی را در خود جای داده بود - جست و جو نمود.

### تابلوی از برخورد ناجوانمردانه منصور با امام صادق (ع)

یک بار منصور دوانیقی (دومین طاغوت عباسی) به سراغ امام صادق (ع) فرستاد، تا او را نزدش بیاورند (و هدف منصور از این احضار کشتن آن حضرت بود). وقتی که فرمان منصور به امام صادق (ع) رسید، دست به دعا برداشت که: «خدایا تو (اموال) آن دو کودک (یتیم) را به خاطر نیکی پدر و مادرشان، نگهداری کردی. مرا نیز به خاطر نیکی پدرانم، محمد و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد به علی (ع) نگهدار، خدایا من به یاری تو گردن زدن او (منصور) را دور سازم، و از شر او به تو پناه می‌برم.»<sup>13</sup>

همچنین فعالیت شدید غالیان که در این دوره به نقطه اوج خود رسیده بودند و بهره برداری آنان از شخصیت و روایات ائمه علیهم السلام را نیز نباید از نظر دور داشت. این امر موجب می‌شد امام از اصحاب خود بخواهد معارف بلند شیعه را در دسترس همگان قرار ندهند و در بیان آنها تقیه نمایند. اینک به بررسی مواردی از روایات حضرت در این زمینه می‌پردازیم:

<sup>13</sup> داستانهای اصول کافی، محمد محمدی اشتهاردی

## تقیه سیاسی

مواردی از تقیه سیاسی در سیره امام صادق علیه السلام و یارانش را می توان این گونه برشمرد:

1. پوشیدن لباس سیاه در فقه شیعه مکروه است، اما این لباس در زمان قیام عباسیان و پس از آن، به صورت شعار آنان درآمد و لذا در تاریخ با عنوان «مسوده» (سیاه جامگان) معروف شدند. در روایتی آمده است هنگامی که امام صادق علیه السلام در «حیره» به سر می برد، فرستاده ابوالعباس سفاح برای او لباس بارانی فرستاد که یک طرف آن سفید و طرف دیگر آن سیاه بود. امام علیه السلام آن را پوشید و فرمود: «اما ائی البسه و انا اعلم انه لباس اهل النار؛ من آن را می پوشم در حالی که می دانم لباس اهل آتش است.» در روایت دیگری به همین مضمون چنین وارد شده است که امام علیه السلام حتی آستر و پنبه لباس های خود را سیاه کرده بود.

2. امام صادق علیه السلام در حدیثی می فرماید:

«كلما تقارب هذا الأمر كان أشدَّ للتقيّة؛ هر چه به این امر نزدیک تر می شویم، تقیه شدیدتر می گردد.»

علاّمه مجلسی هذا الأمر را به «خروج قائم علیه السلام» تفسیر کرده است. اما شاید بتوان آن را به قصد امام علیه السلام برای قیام و نزدیک شدن زمان آن نیز تفسیر نمود که البته به علت دگرگونی شرایط محقق نشد.

3. با آن که زیارت امام حسین علیه السلام در کربلا در آن زمان برای شیعیان خطراتی را دربرداشت، اما به جهت خاموش نشدن این مشعل فروزان، امام صادق علیه السلام شیعیان را به زیارت بسیار مختصری که مخصوص حال تقیه است، توصیه می نمایند. بدین قرار: این زیارت پس از غسل و پوشیدن لباس تمیز، فقط بر سه مرتبه گفتن «صلی الله علیک یا ابا عبدالله» مشتمل است. در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام ضمن بیان آداب زیارت، سفارش به تقیه را یادآور می شوند و می فرمایند: «و یلزّمک التّقیّة الّتی هی قوام دینک بها؛ لازم است تقیه ای که قوام دین به آن است را رعایت کنی.»

## تقیه اجتماعی

در زمان امام صادق علیه السلام تقیه اجتماعی نیز ابعاد گسترده تری می یابد و با بررسی سیره امام و اصحاب او، به موارد فراوانی از این نوع تقیه برخورد می کنیم. از جمله درباره آن حضرت داستانی بیان شده است، بدین گونه که: آن حضرت هنگام شنیدن دشنام به علی علیه السلام از بعضی از مخالفان، خود را در پشت ستون مخفی کرده و پس از تمام شدن دشنام، به نزد آن مخالف آمده و به وی سلام کرده و با او مصافحه نمود.

در روایات فراوانی آن حضرت دستور تقیه اجتماعی را برای اصحاب و یاران خود صادر می فرماید که به چند مورد آن اشاره می نمایم:

امام صادق علیه السلام در حدیثی ضمن تفسیر آیه ای از قرآن چنین می فرماید: «قولوا للنّاس حسناً، ای للنّاس کلّهم مؤمنهم و مخالفهم، اما المؤمنون فیسبط لهم وجهه و اما المخالفون فیکلمهم بالمداراة لاجتذابهم الی

.....  
 الايمان فأنه بأيسر من ذلك يكفّ شرورهم عن نفسه و عن اخوانه المؤمنين؛ این که خداوند می فرماید: «با مردم به نیکویی سخن گویند.» یعنی با همه مردم چه مؤمنان و چه مخالفان. اما با مؤمنان با گشاده رویی برخورد می کند و با مخالفان با مدارا، تا آنها را به ایمان جذب نماید، که به آسان تر از این می توان شرور آنها را از خود و از برادران مؤمنش دفع کند.»

نیز می فرماید: «انّ مداراة اعداء الله من افضل صدقه المرء على نفسه و اخوانه؛ مدارا با دشمنان خدا از برترین صدقه های انسان برای حفظ خود و برادرانش می باشد.»

امام در روایت دیگری نتیجه عالی «مدارا» را چنین بیان می فرماید: «من كفّ يده عن الناس فأنما يكفّ عنهم يدا واحده و يكفون عنهم ايدى كثيرة؛ کسی که (با مردم مدارا کند و) از برخورد شدید با مردم دوری گزیند، در حقیقت او تنها یک دست (یک نفر) را از آزار مردم دور داشته، اما دست های (افراد) فراوانی را از اذیت و آزار خود باز داشته است.»

### تقیه فقهی

«فقه شیعه» در دوران 34 ساله امام صادق علیه السلام به نقطه اوج بالندگی و شکوفایی خود رسید، به گونه ای که به «فقه جعفری» معروف شد. روایات فقهی تقیه ای نیز رشد روز افزونی پیدا کرد. گستردگی تقیه و روایات تقیه ای به گونه ای بود که بعضی از یاران در استفتای مکاتبه ای خود تصریح می کنند که مسأله تقیه در میان نیست و خواستار بیان حکم در حالت عادی می شوند؛ از جمله:

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره جواز سجده بر گلیم می پرسد و امام علیه السلام جواب می دهد: «اذا كان في تقية فلا بأس به؛ اگر در حالت تقیه باشد، اشکالی ندارد.»

امام صادق علیه السلام درباره کیفیت برگزاری نماز خود با اهل سنت چنین می فرماید: «فأما أنا فأصلي معهم و اريهم أتي اسجد و ما اسجد؛ من با آنان نماز می خوانم و چنین وانمود می کنم که سجده می نمایم، در حالی که سجده نمی کنم.»

\* \* \*

- امام صادق علیه السلام شیعیان خود را دستور به تمرین وظیفه تقیه می فرماید تا در مورد خوف و پیش آمد ناگهانی، به طور طبیعی مهیای انجام وظیفه باشند.

با ذکر نمونه ای چند از احادیث امام صادق علیه السلام در باب انواع تقیه و جایگاه آن در زمان آن حضرت، به خوبی آشکار می گردد که «تقیه» به معنی خودداری و حفظ نفس در مواقع خطر، از شیوه های عقلانی است که در هر زمان برای بشر مطرح بوده است و در دوران امامت امام صادق علیه السلام شدیدترین حال خود را داشته است و مهم ترین دلیل برای کاربرد آن اصولاً حفظ جان و تثبیت اعتقادات دینی و احکام



الهی می باشد. همچنین ذکر گردید که تشخیص مورد تقیه، به این که ضرورت و ناچاری باشد، با خود شخص است.

اختلافات سیاسی بین امویان و عباسیان و تقسیم شدن اسلام به فرقه‌های مختلف و ظهور عقاید مادی و نفوذ فلسفه یونان در کشورهای اسلامی، موجب پیدایش یک نهضت علمی گردید. نهضتی که پایه‌های آن بر حقایق مسلم استوار بود.

چنین نهضتی لازم بود، تا هم حقایق دینی را از میان خرافات و موهومات و احادیث جعلی بیرون کشد و هم در برابر زندیقها و مادیها با نیروی منطقی و قدرت استدلال مقاومت کند و آرای سست آنها را محکوم سازد. گفتگوهای علمی و مناظرات آن حضرت با افراد دهری و مادی مانند "ابن ابی العوجاء" و "ابو شاکر دیصانی" و حتی "ابن مقفع" معروف است.

به وجود آمدن چنین نهضت علمی در محیط آشفته و تاریک آن عصر، کار هر کسی نبود، فقط کسی شایسته این مقام بزرگ بود که مأموریت الهی داشته باشد و از جانب خداوند پشتیبانی شود، تا بتواند به نیروی الهام و پاکی نفس و تقوا وجود خود را به مبدأ غیب ارتباط دهد، حقایق علمی را از دریای بیکران علم الهی به دست آورد، و در دسترس استفاده گوه‌شناسان حقیقت قرار دهد.

تنها وجود گرامی حضرت صادق (ع) می‌توانست چنین مقامی داشته باشد، تنها امام صادق (ع) بود که با کناره‌گیری از سیاست و جنجالهای سیاسی از آغاز امامت در نشر معارف اسلام و گسترش قوانین و احادیث راستین دین مبین و تبلیغ احکام و تعلیم و تربیت مسلمانان کمر همت بر میان بست.

زمان امام صادق (ع) در حقیقت عصر طلایی دانش و ترویج احکام و تربیت شاگردانی بود که هر یک مشعل نورانی علم را به گوشه و کنار بردند و در "خودشناسی" و "خداشناسی" مانند استاد بزرگ و امام بزرگوار خود در هدایت مردم کوشیدند.

در همین دوران درخشان - در برابر فلسفه یونان - کلام و حکمت اسلامی رشد کرد و فلاسفه و حکمای بزرگی در اسلام پرورش یافتند. همزمان با نهضت علمی و پیشرفت دانش بوسیله حضرت صادق (ع) در مدینه، منصور خلیفه عباسی که از راه کینه و حسد، به فکر ایجاد مکتب دیگری افتاد که هم بتواند در برابر مکتب جعفری استقلال علمی داشته باشد و هم مردم را سرگرم نماید و از خوشه‌چینی از محضر امام (ع) بازدارد. بدین جهت منصور مدرسه‌ای در محله "کرخ" بغداد تأسیس نمود. منصور در این مدرسه از وجود ابو حنیفه در مسائل فقهی استفاده نمود و کتب علمی و فلسفی را هم دستور داد از هند و یونان آوردند و ترجمه نمودند، و نیز مالک را - که رئیس فرقه مالکی است - بر مسند فقه نشانند، ولی این مکتبها نتوانستند وظیفه ارشاد خود را چنانکه باید انجام دهند.

.....

امام صادق (ع) مسائل فقهی و علمی و کلامی را که پراکنده بود، به صورت منظم درآورد، و در هر رشته از علوم و فنون شاگردان زیادی تربیت فرمود که باعث گسترش معارف اسلامی در جهان گردید. دانش گستره امام (ع) در رشته‌های مختلف فقه، فلسفه و کلام، علوم طبیعی و ... آغاز شد. فقه جعفری همان فقه محمدی یا دستورهای دینی است که از سوی خدا به پیغمبر بزرگوارش از طریق قرآن و وحی رسیده است. بر خلاف سایر فرقه‌ها که بر مبنای عقیده و رأی و نظر خود مطالبی را کم یا زیاد می‌کردند، فقه جعفری توضیح و بیان همان اصول و فروعی بود که در مکتب اسلام از آغاز مطرح بوده است.

### جعفر صادق(ع) فرهنگ شیعی را به وجود آورد

خدمتی که جعفر صادق (ع) به کیش شیعه کرد از دو راه بود. اول اینکه با آموزش علوم، عده ای از شیعیان را دانشمند کرد و سبب شد که یک فرهنگ شیعی وجود بیاید. بوجود آمدن یک فرهنگ شیعی، کمک بسیار به تقویت آن مذهب کرد. قبل از جعفر صادق (ع) شیعیان دارای دو تن امام دانشمند بودند که یکی از آنها محمد باقر (ع) پدر جعفر صادق بود، اما نتوانستند که برای مذهب شیعه یک فرهنگ بوجود بیاورند و علم آنها باندازه جعفر صادق (ع) نبود. جعفر صادق (ع)، از اولین روز که شروع به تدریس کرد می‌دانست که منظورش چیست. وقایع بعد نشان داد که نظریه جعفر صادق (ع) صائب بوده، چون بعد از امام دوازدهم شیعیان دیگر کانونی وجود نداشت که شیعیان اطراف آن جمع شوند معهدا مذاهب شیعه باقی ماند. واضح است که دانشمندان شیعه که بعد از جعفر صادق (ع) آمدند فرهنگ شیعی را توسعه دادند. ۱۴

با توجه به اسباب ورود حدیث در دوره شکوفایی، دوره امام باقر و امام صادق (ع) اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا در این دوره، فتاوی فقیهان و عقاید متکلمان بسیاری عرضه شده بود و امامان، به گونه ای مستقیم یا به وسیله شاگردان خود، به نقد و بررسی آنها پرداخته و یا ناچار از همراهی با آنان و تقیّه بوده اند.<sup>15</sup>

<sup>۱۴</sup> مغز متفکر جهان شیعه  
<sup>۱۵</sup> روش فهم حدیث

## پایه گذار عرفان در اسلام

چند تن از عارفان و مورخین اسلامی می گویند که جعفر صادق (ع) در محضر درس پدرش محمد باقر (ع) عرفان هم تحصیل می کرده است. شیخ عطار از این دسته است. در صورتی که عرفان، در قرن اول هجری قمری وجود نداشته است. عرفان از قرن دوم هجری قمری به وجود آمد. تذکره الاولیاء. شیخ ابوالحسن خرقانی می فرماید مسلمان و کافر در محضر درس جعفر صادق (ع) حضور بهم می رسانیدند و از خوان فضلش بهره مند می شدند.<sup>16</sup>

### دومین قدم امام برای جلوگیری از اضمحلال شیعه :

نباید تصور کرد که امام به کلی خود را از جریانات و امور سیاسی دور نگه داشت، بلکه همواره از وقتی مناسب برای ترویج حقانیت خود و بطلان هیأت حاکمه بهره می برد و بدین منظور نمایندگانی را نیز به مناطق مختلف بلاد اسلامی می فرستاد .

عباسیان برای کسب قدرت و محبوبیت در دل‌های مردم از وجهه اهل بیت پیامبر استفاده می کردند و حتی شعارشان "الرضا فی آل محمد" بود. آنان به دنبال اشخاصی با وجهه مردمی بودند که هم از بستگان پیامبر باشند و هم در میان مردم محبوبیت داشته باشند. لذا بهترین شخص در نظر عباسیان امام صادق (ع) بود .

امام صادق پیشنهاد آنان را رد کردند و فرمودند: نه شما از یاران من هستید نه زمانه، زمانه من است. حتی برخی از بستگان آن حضرت نزدیک بود با این پیشنهاد ها فریب بخورند، اما امام با روشنگری خاص خود به آنان فهماندند که به ظاهر توجه نکنند. امام می دانست که عباسیان نیز هدفی جز رسیدن به قدرت ندارند و اگر شعار طرفداری از اهل بیت را مطرح می کنند، صرفاً به خاطر جلب حمایت توده های شیفته اهل بیت است. امام می دید که سران سیاسی و نظامی عباسیان در خط مستقیم اسلام و اهل بیت نیستند و لذا حاضر نبود با آنان همکاری کرده و به اقداماتشان مشروعیت بخشد.

<sup>16</sup> مغز متفکر جهان شیعه ص ۸۱

چنانکه در تاریخ می بینیم که چه جنایاتی کردند و چه خونهایی ریختند تا پایه های عباسیان محکم گردد . از حوادث مهم در زمان امامت حضرت، قیام عمویش زید بن علی است که شکست خورد و با شهادت زید به پایان رسید .

## شهادت حضرت صادق علیه السلام

پس از به قدرت رسیدن عباسیان، همانطور که آن حضرت پیش بینی کرده بود فشار بر شیعیان افزایش یافت و با روی کار آمدن منصور این فشار به اوج خود رسید. امام نیز از این فشارها مستثنی نبود. این دوران، یعنی چند سال آخر عمر آن حضرت بر خلاف دوران اولیه امامتشان، دوره سختی ها و انزوای دوباره آن حضرت و حرکت تشیع بود. منصور شیعیان را به شدت تحت کنترل قرار داده بود .



سرانجام کار به جایی رسید که با تمام فشارها، منصور چاره ای ندید که امام صادق را که رهبر شیعیان بود از میان بردارد و بنابراین توسط عواملش حضرت را به شهادت رساند. آن حضرت در سن 65 سالگی در سال 148 هجری به شهادت رسید و در قبرستان معروف بقیع در کنار مرقد پدر و جدّ خودش مدفون گردید .

یکی از مؤلفان شیعه که شرح معجزات جعفر صادق (ع) را نوشته ( ابو جعفر محمد) ابن بابویه قمی است و این مرد که نویسنده کتاب بسیار معروف ( من لایحضره الفقیه) است از علمای شیعه بشمار می آید و در قرن چهارم هجری قمری می زیسته و از لحاظ زمانی به جعفر صادق (ع) نزدیک بوده است.

.....

ابن بابویه قمی علاوه بر اینکه شرح معجزات جعفر صادق (ع) را نوشته در کتابی از آثار خود به اسم (عیون الاخبار الرضا)، شرح معجزات علی بن موسی بن جعفر (ع) نوه جعفر صادق (ع) را هم ذکر کرده است.<sup>17</sup>

در زمینه فضایل و مکارم اخلاقی حضرت صادق روایات و وقایع بسیار زیادی نقل شده است. آن حضرت با رفتار کریمانه و خلق و خوی الهی خود بسیاری از افراد را به راه صحیح هدایت فرمود، به گونه ای که پیروان دیگر مکاتب و ادیان نیز زبان به مدح آن حضرت گشوده اند .

## احادیث

### حدیث اول:

من أحب لله وأبغض لله وأعطى الله فهو ممن كمل إيمانه.

امام جعفر صادق (ع): هر که برای خدا دوست دارد و برای خدا دشمن دارد و برای خدا عطاء کند، از کسانی است که ایمانش کامل است.

اصول کافی، ج 3، ص 189

### حدیث دوم:

ان المسلمین يلتقيان، فافضلهما أشدهما حبا لصاحبه.

امام جعفر صادق (ع): از دو مسلمان که به هم برخورد می کند آن که دیگری را بیشتر دوست دارد بهتر است.

اصول کافی، ج 3، ص 193

### حدیث سوم:

جعل الخیر كله فی بیت و جعل مفتاحه الزهد فی الدنيا.

امام جعفر صادق (ع): همه خیر در خانه ای نهاده شده و کلیدش را زهد و بی رغبتی به دنیا قرار داده اند.

اصول کافی، ج 3، ص 194

### حدیث چهارم:

إذا أراد الله بعبد خيرا زهده فی الدنيا و فقهه فی الدین و بصره عیوبها و من أوتیهن فقد أوتی خیر الدنيا و الآخرة.

امام جعفر صادق (ع): چون خدا خیر بنده ای را خواهد او را نسبت به دنیا بی رغبت و نسبت به دین دانشمند کند و به دنیا بینایش سازد و به هر که این خصلتها داده شود خیر دنیا و آخرت داده شده.

اصول کافی، ج 3، ص 196

### حدیث پنجم:

خف الله كأنك تراه و إن كنت لا تراه فإنه يراك.

امام جعفر صادق (ع): چنان از خدا بترس که گویا او را می بینی و اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

<sup>۱۷</sup> مغز متفکر شیعه ص ۲۱۰

اصول کافی، ج 3، ص 110

**حدیث ششم:**

كان أمير المؤمنين صلوات الله عليه يقول: أفضل العبادۃ العفاف.

امام جعفر صادق (ع): امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: بهترین عبادت عفت است.

اصول کافی، ج 3، ص 125

**حدیث هفتم:**

قال رسول الله: من ترك معصية لله مخافة الله تبارك و تعالی أرضاه الله يوم القيامة.

امام جعفر صادق (ع): پیامبر خدا فرمود: هر که گناهی را برای خدا و ترس از او ترک کند خدا او را در روز قیامت بخشنود گرداند.

اصول کافی، ج 3، ص 128

**حدیث هشتم:**

قال الله تبارك و تعالی: ما تحبب إلي عبدی بأحب مما افترضت عليه.

امام جعفر صادق (ع): خداوند متعال فرموده است: بنده من با چیزی محبوبتر از انجام واجبات به من دوستی نکند.

اصول کافی، ج 3، ص 129

**حدیث نهم:**

العباد ثلاثة: قوم عبدوا الله عز و جل خوفا فتلك عبادة العبيد و قوم عبدوا الله تبارك و تعالی طلب الثواب، فتلك عبادة الأجراء و قوم عبدوا الله عز و جل حبا له فتلك عبادة الأحرار و هي أفضل العبادۃ.

امام جعفر صادق (ع): عبادت کنندگان سه دسته اند: گروهی خدای متعال را از ترس عبادت کنند و این عبادت بردگان است، گروهی خدای متعال را به طمع ثواب عبادت کنند و این عبادت مزدوران است. دسته ای خدای متعال را برای دوستیش عبادت کنند و این عبادت آزادگان و بهترین عبادت است.

اصول کافی، ج 3، ص 131

**حدیث دهم:**

إنما خلد أهل النار في النار لأن نياتهم كانت في الدنيا أن خلدوا فيها أن يعصوا الله أبدا. و إنما خلد أهل الجنة في الجنة لأن نياتهم كانت في الدنيا أن لو بقوا فيها أن يطيعوا الله أبدا، فباليات خلد هؤلاء و هؤلاء. ثم تلا قوله تعالی: " قل كل يعمل على شاكلته " قال: على نيته.

امام جعفر صادق (ع): اهل دوزخ از اینرو در دوزخ جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا جاودان باشند همیشه نافرمانی خدا کنند و اهل بهشت از اینرو در بهشت جاودان باشند که نیت داشتند اگر در دنیا باقی بمانند همیشه اطاعت خدا کنند پس این دسته و آن دسته به سبب نیت خویش جاودانی شدند، سپس قول خدای تعالی را تلاوت نمود: بگو هر کس طبق طریقه خویش عمل می کند. فرمود: یعنی طبق نیت خویش.

اصول کافی، ج 3، ص 135 - 136

**حدیث یازدهم:**

لا تکرهوا إلی أنفسکم العبادۃ.

امام جعفر صادق (ع): عبادت را به خود مکروه و ناپسند ندرید.

اصول کافی، ج 3، ص 137

**حدیث دوازدهم:**

ان الله عز و جل إذا أحب عبداً فعله قليلاً جزاه بالقليل الكثير.

امام جعفر صادق (ع): چون خدای تعالی بنده ای را دوست دارد و او عمل کوچکی انجام دهد، خدا او را پاداش بزرگ دهد.

اصول کافی، ج 3، ص 137 - 138

**حدیث سیزدهم:**

الصبر رأس الايمان.

امام جعفر صادق (ع): صبر سر ایمان است.

اصول کافی، ج 3، ص 140

**حدیث چهاردهم:**

ثلاث من علامات المؤمن: علمه بالله و من يحب و من يبغض.

امام جعفر صادق (ع): سه چیز از علامات مؤمن است: شناختن خدا و شناختن دوستان و دشمنان خدا.

اصول کافی، ج 3، ص 192

**حدیث پانزدهم:**

من ابتلى من المؤمنين ببلاء فصبر عليه، كان له مثل أجر الف شهيد.

امام جعفر صادق (ع): هر مؤمنی به بلائی گرفتار شود و صبر کند، اجر هزار شهید برای اوست.

اصول کافی، ج 3، ص 146

**حدیث شانزدهم:**

محمد بن سليمان الديلمي عن أبيه قال: قلت لأبي عبد الله - عليه السلام - فلان بن عبادته و دينه و فضله! فقال: كيف عقله؟ قلت:

لا أدرى: فقال: ان الثواب على قدر العقل.

امام جعفر صادق (ع): سلیمان دیلمی می گوید: به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم فلانی در عبادت و دیانت و فضیلت

چنین و چنان است. فرمود: عقلش چگونه است؟ گفتم نمی دانم. فرمود: پاداش به اندازه عقل است.

اصول کافی، ج 1، ص 12

**حدیث هفدهم:**

أكمل الناس عقلاً أحسنهم خلقاً.

امام جعفر صادق (ع): عاقل ترین مردم خوش خلق ترین آنهاست.

اصول کافی، ج 1، ص 27

**حدیث هیجدهم:**

قال رسول الله (ص): إنا معاشر الانبياء أمرنا أن نكلم الناس على قدر عقولهم.

امام جعفر صادق (ع): پیامبر خدا (ص) فرموده است: ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل خودشان سخن بگوئیم.

اصول کافی، ج 1، ص 27

**حدیث نوزدهم:**

قال رجل له - عليه السلام - ما العقل؟ قال: ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان. قال: قلت: فالذی كان فی معاویة؟ فقال: تلک

النکراء، تلک الشیطنه، وهی شبيهة بالعقل، و لیست بالعقل.

.....

امام جعفر صادق (ع) : شخصی از امام صادق - علیه السلام - پرسید عقل چیست ؟ فرمود : چیزی است که به وسیله آن خدا پرستش شود و بهشت بدست آید . آن شخص گوید : گفتم پس آنچه معاویه داشت چه بود ؟ فرمود : آن نیرنگ است ، آن شیطن است ، آن نمایش عقل را دارد ، ولی عقل نیست .

اصول کافی ، ج 1 ، ص 11

**حدیث بیستم :**

عبدالله بن سنان قال : ذکرت لابی عبدالله - علیه السلام - رجلا مبتلی بالوضوء و الصلاة و قلت : هو رجل عاقل ، فقال : أبو عبدالله و ای عقل له و هو یطیع الشیطان ؟ فقلت له : و کیف یطیع الشیطان ؟ فقلت له : سله هذا الذی یأتیه من ای شیء هو ؟ فانه یقول لک من عمل الشیطان .

امام جعفر صادق (ع) : ابن سنان گوید به حضرت صادق - علیه السلام - عرض کردم : مردی هست عاقل که گرفتار وسواس در وضو و نماز می باشد : فرمود چه عقلی که فرمانبری شیطان می کند ؟ گفتم : چگونه فرمان شیطان می برد ؟ فرمود از او پرس و سوسه ای که به او دست می دهد از چیست ؟ قطعاً به تو خواهد گفت از عمل شیطان است .

اصول کافی ، ج 1 ، ص 13

**حدیث بیست و یک :**

قال - علیه السلام - : قال رسول الله : یا علی لا فقر أشد من الجهل ، لا مال أعود من العقل .

امام جعفر صادق (ع) : پیامبر خدا فرموده است : ای علی هیچ تهیدستی سخت تر از نادانی و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست .

اصول کافی ، ج 1 ، ص 30

**حدیث بیست و دو :**

لیس بین الایمان و الکفر الا قلة العقل قیل : و کیف ذاک یا ابن رسول الله ؟ قال : إن العبد یرفع رغبته الی مخلوق فلو أخلص نیته لله لأتاه الذی یرید فی أسرع من ذلک .

امام جعفر صادق (ع) : میان ایمان و کفر فاصله ای جز کم عقلی نیست . عرض شد : چگونه ای پسر پیغمبر ؟ فرمود : بنده خدا در حاجت خود متوجه مخلوق می شود ، در صورتی که اگر با خلوص نیت متوجه خدا شود آنچه خواهد در نزدیکتر از آن وقت به او رسد .

اصول کافی ، ج 1 ، ص 32 - 33

**حدیث بیست و سه :**

إذا أراد الله بعبد خیرا فقهه فی الدین .

امام جعفر صادق (ع) : چون خدا خیر بنده ای خواهد ، او را در دین دانشمند کند .

اصول کافی ، ج 1 ، ص 39

**حدیث بیست و چهار :**

لیس بین الایمان و الکفر الا قلة العقل قیل : و کیف ذاک یا ابن رسول الله ؟ قال : إن العبد یرفع رغبته الی مخلوق فلو أخلص نیته لله لأتاه الذی یرید فی أسرع من ذلک .

امام جعفر صادق (ع) : میان ایمان و کفر فاصله ای جز کم عقلی نیست . عرض شد : چگونه ای پسر پیغمبر ؟ فرمود : بنده خدا در حاجت خود متوجه مخلوق می شود ، در صورتی که اگر با خلوص نیت متوجه خدا شود آنچه خواهد در نزدیکتر از آن وقت به او رسد .

اصول کافی ، ج 1 ، ص 32 - 33



**حدیث بیست و پنج:**

طلب العلم فریضه.

امام جعفر صادق (ع): کسب دانش واجب است.

اصول کافی، ج 1، ص 35

**حدیث بیست و ششم:**

من زار أخاه فی الله قال الله عز و جل: إیای زرت و ثوابک علی و لست أرضی لک ثوابا دون الجنة.

امام جعفر صادق (ع): هر کسی که برای خدا از برادرش دیدن کند، خدای متعال فرماید: مرا دیدن کردی و ثوابت بر من است و به ثوابی جز بهشت برایت خرسند نیستم.

اصول کافی، ج 3، ص 255

**حدیث بیست و هفتم:**

تصافحوا فإنها تذهب بالسخیمه.

امام جعفر صادق (ع): با یکدیگر مصافحه کنید، زیرا مصافحه کینه را می برد.

اصول کافی، ج 3، ص 264

**حدیث بیست و هشتم:**

لا یقبل رأس احد و لا یده إلا رسول الله أو من ارید به رسول الله صلی الله علیه و آله.

امام جعفر صادق (ع): نباید سر یا دست کسی بوسیده شود مگر دست پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یا کسی که از او پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قصد شود.

اصول کافی، ج 3، ص 267

**حدیث بیست و نهم:**

شیعتنا الرحماء بینهم، الذین اذا خلوا ذکرُوا الله.

امام جعفر صادق (ع): شیعیان ما با یکدیگر مهربانند، چون تنها باشند خدا را یاد کنند.

اصول کافی، ج 3، ص 268

**حدیث سی ام:**

من أحب الأعمال الی الله عز و جل إدخال السرور علی المؤمن: اشباع جوعته أو تنفیس کربته أو قضاء دینه.

امام جعفر صادق (ع): از جمله دوست داشتنی ترین اعمال نزد خدای متعال شادی رسانیدن به مؤمن است و سیر کردن او از گرسنگی، یا رفع گرفتاری او یا پرداخت بدهیش.

اصول کافی، ج 3، ص 276

**حدیث سی و یک ام:**

قال عن سدير قال: قلت له - عليه السلام - هل يجزي الولد والده؟ فقال: ليس له جزاء إلا في خصلتين يكون الوالد مملوكا فيشتريه ابنه فيعتقه أو يكون عليه دين فيقضيه عنه.

امام جعفر صادق (ع): سدير گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا فرزند می تواند پدرش را پاداش دهد؟ فرمود: پاداشی برای پدر نیست جز در دو صورت: پدر برده باشد و پسر او را بخرد و آزاد کند، پدر بدهی داشته باشد و پسر آن را بپردازد.

اصول کافی، ج 3، ص 237

**حدیث سی و دوم:**

.....

شرف المؤمن قیام اللیل و عزه استغناؤه عن الناس .

امام جعفر صادق (ع) : شرافت مؤمن به شب زنده داری و عزتش به بی نیازی از مردم است .

اصول کافی ، ج 3 ، ص 218

## فهرست منابع

- . اسرار آل محمد / سلیم بن قیس هلالی، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی. قم، 1380
- . ارشاد شیخ مفید
- . التبیان فی تفسیر القرآن، طوسی
- . التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، مترجم: جواد ایروانی، جلد اول، پائیز 1392 .
- . القواعد الفقهیّه، ناصر مکارم شیرازی .
- . النحو الوافی، حسن عباسی .
- . تقیّه در اسلام، علی تهرانی، چاپ فیروزیان، مشهد 1354 ش .
- . جایگاه و نقش تقیّه در استنباط، نعمت الله صفری .
- . داستانهای اصول کافی، محمد محمدی اشتهاردی، چاپ 1379، قم .
- . ر.ک الکشاف، ابوالقاسم زمخشری
- . روش فهم حدیث / عبدالهادی مسعودی زمستان 1392
- . شرح عقائد الصدوق، شیخ مفید .
- . مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی .
- . معجم مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، لسان العرب، ابن منظور .
- . مغز متفکر جهان شیعه / مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ / ترجمه: ذبیح الله منصور